

تأثیر و تأثر روشنفکران ایران و عرب

در حوزه جهان عرب می توان نمونه های فراوانی از تعامل ناگزیر تاریخی با ایران را یادآوری کرد و در حوزه اندیشه از تأثیر جریان های فکری عبده، رشید رضا و سید قطب ...



خبرگزاری مهر - در حوزه جهان عرب می­توان نمونه­های فراوانی از تعامل ناگزیر تاریخی با ایران را یادآوری کرد و در حوزه اندیشه از تأثیر جریان­های فکری عبده، رشید رضا و سید قطب از یک سو و جریان­های ملی­گرا، چپ و اصلاح­گرای جهان عرب از سوی دیگر بر فعالان و جنبش­های کشورمان در دهه­های گذشته یاد کرد و یا در مقابل تأثیر و انعکاس جنبش مشروطیت، ملی­کردن نفت و انقلاب اسلامی بر تحولات سده اخیر در جهان عرب را بازخوانی کرد. تحولات دو سال اخیر در منطقه خاورمیانه و بالا گرفتن انقلاب­های مردمی در کشورهای عربی که آنرا در کشور با تعبیر "بیداری اسلامی" می­شناسیم، در کنار دیگر دستاوردهای خویش، بار دیگر ضعف و سستی مزمن و متراکم میان نخبگان و اصحاب تحلیل در شناخت محیط پیرامون کشور و ارتباط با جهانهای همسایه را نمایان ساخت. تشابه موقعیت فرهنگی و تاریخی کشورمان با دیگر کشورهای جهان اسلام - و از آن جمله جهان عرب - در رویارویی با جهان جدید و تحولات عمیق پیش­رو و همسانی یا نزدیکی دشواره­های (پروبلماتیک­ها، إشکالیات) مطرح در هر دو سو، بحثی کهن است که بارها درباره آن سخن رفته­است، با این وجود به نظر می­رسد که موقعیت مرکزی غرب در اندیشه و مسائل فکری مطرح کشور، همچنان جا را بر شناخت، پیگیری و تحلیل حوزه­های فرهنگی و تمدنی دیگر در میان نخبگان و روشنفکران ما تنگ کرده است و همچنان ترجیح می­دهیم با اصل اندیشه و تمدن رقیب مهر یا قهر بورزیم تا اینکه فرصت عمر را صرف تحلیل فهم یا کج­فهمی­های همگنان خود در تجربه چالش با دنیای جدید نمائیم.

گزینی از اعتراف به رابطه تأثیر و تأثر موجود میان ما و محیط پیرامونی­مان نداریم. به طور مشخص در حوزه جهان عرب می­توان نمونه­های فراوانی از این تعامل ناگزیر تاریخی را یادآوری کرد و در حوزه اندیشه از تأثیر جریان­های فکری عبده، رشید رضا و سید قطب از یک سو و جریان­های ملی­گرا، چپ و اصلاح­گرای جهان عرب از سوی دیگر بر فعالان و جنبش­های کشورمان در دهه­های گذشته یاد کرد و یا در مقابل تأثیر و انعکاس جنبش مشروطیت، ملی­کردن نفت و انقلاب اسلامی بر تحولات سده اخیر در جهان عرب را بازخوانی کرد، اما پرسیدنی است که چرا در افق پرسش­های اساسی جریان های فکری متنوع کشورمان شناخت و تجزیه و تحلیل فرهنگ­ها و تجارب حوزه­های تمدنی دیگر، جایگاهی درخور نیافته است؟ و از سطح آشنایی مجمل با چهره­های معدود و عمدتاً تاریخی، آنهم در سطح کلیات و عمدتاً در حوزه اندیشه سیاسی، فراتر نرفته است؟

به ویژه اگر بپذیریم که آنچه پرداختن به تجربه­ها و تحولات این حوزه­های جغرافیایی/تمدنی را به ضرورتی فرهنگی بدل می­سازد، نه فقط مجاورت و هم­سرنوشتی، یا بایسته­های تفکر طراز جهانی و معاصر، که این واقعیت است که نوشتن تاریخ مدرنیته ایرانی، یعنی روایتی از فراز و فرودهای تاریخی، فرهنگی و فکری از تجربه معاصر ایران، بدون نگاهی به واقعیت تعاملات فکری، اجتماعی و سیاسی- فرهنگی محیط اقلیمی پیرامون، ممکن نخواهد بود.

به نظر می­رسد پاره­ای­های خصال جریان روشنفکری از جمله سلطه گونه­های کلاسیک­گرایی فکری؛ اروپامداری روایت آن از مدرنیته؛ اکتفا به روایت­گری کلان­روایت سنت و مدرنیته و بل مدرنیته و پست مدرنیسم؛ و پاره­ای باورها و قضاوت­های پیشینی مبتنی بر تحقیر و تعظیم کشورها و فرهنگ­های پیرامونی و تعصب­های فرهنگی از دلایل مؤثر در بی­اعتنایی و بی­اطلاعی شبه­کامل نخبگان فکری ما از تحولات فکری، فرهنگی و اجتماعی جهان­های همسایه باشند.

در دل تحولات و اوج مباحث فکری دهه هفتاد، با همت پاره­ای از فضایی حوزه و دانشگاه، شناخت و پیگیری رویکردها و مکاتب مختلف فکری جهان عرب در دهه­های اخیر پس از رخوتی طولانی، سرانجام از محدوده نسل اول (طهطاوی و سید جمال و عبده) و تا حدودی نسل­های اسلامی دهه 40 (همچون سید قطب) فراتر رفت و چهره­های فعال و تأثیرگذار دهه­های اخیر آن سامان، معرفی و پاره­ای از آثار آنها ترجمه گردید، به گونه­ای که شاید بتوان گفت آموزه­ها و مباحث منتقل شده، توانست به غنای بحث­های فکری رایج در کشور کمک کرده و عناوینی را بر سیاهه مسائل مطرح در حوزه اندیشه بیافزاید. با این همه به نظر می­رسد با وجود چنین رویکردی شناخت ما همچنان از سطح چهره های مطرح فراتر نرفته است و همچون دیگر عرصه­های از کمبود ترجمه متون اصلی و جدی رنج می­برد.

مراجعه محققان و پژوهشگران به متون اصلی نیز با موانع موجود بر راه دسترسی به منابع و آشنایی با تحولات روزآمد

کشورshy&؛ های عربی برخورد و پس از جهش اولیه از سرعت و کثرت آن کاسته شد. از این تجربه و نیز تجربه نسلshy&؛ های پیشین روشنفکری کشور میshy&؛ توان دریافت که توجه به جهان پیرامون و دستshy&؛ یافته ها و آرای متفکران آن پیوندی عملی با رشد و جدیت مباحث و مناقشات فکری در کشور دارد و میزان دوری و کاهش این توجه خود میshy&؛ تواند شاخصی از کاستن فروغ مناقشات فکری در میان نخبگان به دست دهد.

این بحث را میshy&؛ توان از زاویه دیگری یعنی نسبت و رابطه ما با سنت و فهم و نقد آن نیز بازخوانی کرد. در سخن گفتن از سنت ما با سه گستره یا حوزه متفاوت روبروئیم که ناگزیر از پرداختن موازی به آنها هستیم. گستره نخست میراث کهن یا عتیق است که سازوکار و ساخت فرهنگی ویژه جهان باستان تا مرحله ظهور اسلام را دربرمیshy&؛ گیرد؛ گستره دوم میراث قدیم است که ساخت فرهنگی ایرانی - اسلامی منتشر از هنگام ورود اسلام به ایران تا هنگام رویارویی با جهان مدرن در مرزهای جغرافیایی و فرهنگی این سامان را شامل میshy&؛ شود و سرانجام میراث معاصر یا نزدیک است که خود به دو مرحله پیش و پس از مشروطه قابل تقسیم است. نبود تقسیم کاری و اهتمام متوازن به این سه میراث یا سنت، سبب شده است که در دورهshy&؛ های مختلف و تحت تأثیر پسندهای متأثر از ایدئولوژیshy&؛؛ یکی مرکز توجه و محور مناقشات قرار گیرد و دو دیگر تحت shy&؛ الشعاع آن قرار گیرد، چنان shy&؛ که گویا دورهshy&؛ ای از عدم برآمده باشد و یا به عدم منتهی شدهshy&؛ باشد.

آنچه این فقدان مستمر توازن را تعمیق میshy&؛ بخشد، سیطره مطالعات و پژوهشshy&؛ های کلانshy&؛ نگر و پروژهshy&؛ های مدعی ارائه نظریهshy&؛ های راهنما و مفسری است که میshy&؛ تواند یک جا تکلیفشshy&؛ مان با عالم و آدم، و فرهنگ و تاریخ روشن کنند. از اینجا میshy&؛ توان میان دو نوع مطالعات سنتshy&؛؛ پژوهانه میکروسکوپی(خرد و موضوع محور) و ماکروسکوپی(کلان و پروژهshy&؛ محور) تفکیک کرد و مدعی شد که تنها رویکرد نخست و انباشت، تراکم و استمرار پژوهشshy&؛ های این دسته است که میshy&؛ تواند ما را به درک متوازن از خود و درس آموزی از تجربیات و تحولات پیرامونی راه برد. shy&؛ تواضع در مدعیات، شفافیت مبانی و مفروضات و تنوع روشshy&؛ ها و زوایای بررسی در مطالعات میکروسکوپی آن را از تقسیم بی shy&؛ پشتوانه و سرخود تاریخ و فرهنگ تحت تأثیر گرایشshy&؛ های ایدئولوژیک و پیشینی، و صدور احکام کلی و فراگیر باز میshy&؛ دارد، چرا که برآمده از این باور است که هنوز حجم پرسشshy&؛ ها و ابهاماتی که با آن روبروئیم به مراتب فراتر از میزان دانستهshy&؛ ها و دستshy&؛ یافتهshy&؛ های ماست و قرائتshy&؛ های یقینی و نظریهshy&؛ های کلان ارئه کننده تفسیرهای آماده و آکنده از تعمیمshy&؛ های فراوان به شناخت ما عمقی نخواهد بخشید.

ما ناگزیر از توجه به میراث نزدیک خود و بازخوانی آن با رویکردی انتقادی هستیم که به جای شروع از میراث برای ارائه قرائتی از آن از دشوارها (پروبلماتیکshy&؛ های) قرائت آغاز میshy&؛ کند و هم shy&؛ هنگام به سه میراث کهن، قدیم و نزدیک توجه دارد؛ مبتنی بر به رسمیت شناختن تعدد روشی، و استقبال از اختلاف رویکردها و تنوع زوایای تحلیل و بررسی یک پدیدار مشخص و تحمل مخاطرات چنین پژوهشهایی میshy&؛ باشد. این مخاطرات به ویژه هنگامی که موضوع میراث نزدیک و معاصر باشد، که هنوز از فضا و مسائل و گروه بندیshy&؛ های حاکم بر آن نرهیدهshy&؛ ایم، دوچندان میshy&؛ شود. در اینجا است که بار دیگر اهمیت رویکرد و توجه به تحولات و مناقشات جهانshy&؛ های همسایه خود میshy&؛ نماید. میshy&؛ توان ادعا کرد و براین ادعا شواهدی اقامه نمود که به عنوان نمونه جهان عرب با توجه به گستره جغرافیایی و تنوع نظام shy&؛ های حاکم فرهنگی و سیاسی، و نیز نزدیکی و سهولت بیشتر تردد و تماس نخبگان آن با جهان اندیشه مدرن، در این زمینه تجربیات و یافتهshy&؛ های آموزندهshy&؛ ای برای روشنفکران و نخبگان ما میshy&؛ تواند داشته باشد و به ویژه نسلshy&؛ های تازه محققان و مطالعات دانشگاهی متأخر آن در گذر از قرائتshy&؛ های کلان به پژوهشshy&؛ های خرد گامshy&؛ های جدی برداشتهshy&؛ اند.

شاید بیshy&؛ مناسب نباشد که در پایان سخن به یکی از نمونهshy&؛ های مباحث صورت گرفته اشاره کرد: در میان حوزه shy&؛ های گوناگون مطالعات و تحقیقات در کشورهای عربی، حوزه دین از تنوع رویکردها و روشshy&؛ های بیshy&؛ نظیری برخوردار است که با توجه به اهمیت عنصر دین در سپهر اندیشه ایرانی، شناخت و پیگیری محصولات علمی و تحقیقاتی این حوزه و چالشshy&؛ های برآمده از آورد جریان shy&؛ های مختلف از اهمیت بسزایی برخوردار است.

از مجموعه های مهم و پرآوازه منتشر شده در سالهای اخیر در جهان عرب مجموعه کتابهای فشرده، منسجم و عالمانهshy&؛ ای است که تحت عنوان واحد "الإسلام واحدا و متعددا" توسط جمعی از محققان و پژوهشگران کشور تونس به سرپرستی دکتر "عبدالمجید الشرفی" روشنفکر نامور تونس، نگارش و نشر یافته است که دو کتاب وی بنامshy&؛ های "اسلام و مدرنیته" و "عصری سازی اندیشه دینی" به فارسی ترجمه شده shy&؛ است.

از این مجموعه تاکنون 18 عنوان منتشر شده است و عناوینی چند نیز به آن افزوده خواهد شد. به رغم اهمیت و انعکاس وسیع این مجموعه در جهان عرب، که مناقشات جدی و واکنش تند جریانshy&؛ های سلفی را به همراه داشت، متأسفانه در داخل کشور این مجموعه مورد توجه قرار نگرفته و جز شمار معدودی از محققان با این مجموعه آشنایی و دسترسی نیافته shy&؛ اند و به سبب عدم معرفی این سلسله کتابshy&؛ ها به متخصصان و صاحبshy&؛ نظران این حوزه، زمینه برای نقد و بررسی آنها فراهم نشده است. در

حالی که بررسی، نقد و بحث عناوین متنوع مجموعه "الاسلام واحدا و متعددا"، می‌شود؛ توانست بر غنای مباحث موجود در سطح کشور بیفزاید و زمینه ساز و تسهیل‌گر ارتباط علمی میان این دو حوزه مهم و تأثیرگذار در جهان اسلام گردد. از سوی دیگر مؤلفان و محققان این مجموعه بخشی از یکی از سرزنده‌ترین و فعال‌ترین جریان‌های فکری جهان عرب به ویژه مغرب عربی را شکل می‌دهند که رویکرد و دریافتهای آن در حوزه دین بسیار متفاوت و مناقشه برانگیز است که آشنایی نزدیک‌تر و دقیق‌تر از آنها می‌تواند به گشوده و گسترده‌تر شدن افقهای بحث و پژوهش علمی در کشور کمک کند. 1

نگاهی به عناوین منتشر شده این مجموعه گویای رویکرد متفاوت و بحث‌برانگیز نویسندگان است: الاسلام الستی؛ اسلام الفقهاء؛ اسلام المتکلمین؛ الاسلام الخارجی؛ الاسلام الحری (بحث فی ادبیات الأحزاب و الحركات الإسلامية)؛ الاسلام الآسیوی؛ اسلام الفلاسفة؛ الاسلام "الأسود" (جنوب الصحراء الكبرى)؛ الاسلام فی المدینه؛ اسلام المتصوفه؛ الاسلام الشعبی؛ الاسلام العربی (کیانه و خصائصه)؛ اسلام المجددین؛ اسلام عصور الانحطاط؛ اسلام الاکراد (نموذج الإسلام الأقليات؛ قراءة فی تداخل الديني و القبلي و القومي)؛ اسلام الساسة؛ اسلام المصلحین؛ الاسلام البدوی (اسلام الطوارق نموذجاً).*

پی نوشت:

1- در طی سال گذشته انتشارات توت، دو عنوان از کتاب‌های این مجموعه را تحت عنوان اسلام از نگاه‌های متعدد منتشر ساخته است که البته با عنوان اصلی این مجموعه یکی نیست.

*نویسنده: محمدرضا فرطوسی، پژوهشگر تاریخ اندیشه معاصر اسلامی و ایرانی